

بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری

رامین عزیزاده

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
raminalizadeh2000321@gmail.com

مهدی گلجان (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
m.goljan12@gmail.com

مهدی انصاری

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۶ - صفحه ۷۴-۵۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۵

چکیده:

قیس بن سعد بن عباده انصاری یکی از اصحاب پیامبر (ص) و از یاران امام علی (ع) و امام حسن است. تاریخی برای تولد وی ذکر نشده؛ اما با توجه به قرائن و پژوهش‌های موجود، هنگام ورود پیامبر (ص) به مدینه در سن نوجوانی بوده است. این شخصیت در دوران پیامبر دارای افتخاراتی از جمله: خادم پیامبر، رئیس انتظامات و حامل پرچم انصار در بعضی از غزوه‌ها بوده که این مناصب نشان از نزدیکی و همراهی او با پیامبر دارد. در زمان خلافت امام علی (ع)، از اولین کسانی است که با ایشان بیعت کرد و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان از یاران امام بود. وی مناصب مختلفی در دوره امام علی (ع) داشت و از اولین کسانی بود که با امام حسن (ع) بیعت کرد و در نهایت بعد از صلح امام حسن (ع) در مدینه اقامت گزید و در آخر حکومت معاویه درگذشت. پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، نقش و تاثیرگذاری قیس بن سعد بر حوادث تاریخی دوران پیامبر و دوران امام علی (ع) و پس از ایشان را مورد مطالعه قرار داده است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که قیس و خاندان وی از ارکان اصلی اسلام در زمان پیامبر اکرم (ص) بوده و حتی بعد از وفات ایشان و در زمان امام علی (ع) نیز رشادتها و تلاشهای بی‌شائبه‌ای در راه تقویت و تحکیم اسلام از خود نشان داده و تا آخر بر عهد و پیمان خود باقی ماند.

کلید واژگان: قیس بن سعد بن عباده انصاری، پیامبر (ص)، امام علی (ع)، مصر، آذربایجان، خلفای

مقدمه:

قیس بن سعد از محدود کسانی است که چهره اصلی او هنوز برای بسیاری از مطالعه کنندگان تاریخ صدر اسلام ناشناخته مانده و باید عنوان نمود که این شخصیت برجسته صدر اسلام، تا حدود زیادی مظلوم واقع گشته است. او از جمله کسانی بود که بر اندیشه راستین خود از ابتدای زندگی تا انتهای آن پایداری نشان داد. صرف نظر از برخی از لغزشها در طول زندگانی؛ قیس بن سعد به عنوان یکی از پیروان مخلص و فداکار امام علی(ع)، بارها و بارها ارادت خود را به خاندان اهل بیت ثابت کرد و تهدید و تطمیع اشخاصی مانند معاویه بر وی اثر نکرد. استواری و پایمردی وی بر عقاید راستین، از او شخصیتی برجسته ساخته؛ به طوری که بارها تا مرز شهادت رفت و تا واپسین روزهای زندگانش، آرزویی جز شهادت در راه خدا نداشت.

در این پژوهش سعی بر آن شده تا ضمن بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری، اصل و نسب و خاندان وی و همچنین دورانی که در آن زندگی کرده؛ نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. پایمردی و استقامت قیس در مسیر حق، از او شخصیتی برجسته ساخته است و تحقیق حاضر نیز تلاش بر آن دارد تا به شیوه توصیفی-تحلیلی وبا مطالعه منابع دسته اول و تاریخی، گوشه هایی از تأثیرات، تحولات و تعاملات وی با خلفا و عموم مردم را بازگو کند و بدین طریق شناخت بهتری از شخصیت وی به دست آید. باید پذیرفت که عملکرد خواص در دوره های مختلف از زندگی، تأثیرات انکار ناپذیری بر روی افکار و عملکرد مردم عادی آن جامعه دارد و اصلی ترین هدف این پژوهش نیز، کمک به معرفی الگویی برای جامعه اسلامی است.

بحث

خاستگاه و خاندان قیس بن سعد بن عباده انصاری

قیس بن سعد و خاندان وی از ارکان اصلی اسلام در زمان پیامبر اکرم (ص) بوده که در دوران حیات پیامبر و حتی بعد از وفات ایشان نیز رشادتها و تلاش های بی شائبه ای از خود نشان داد. وی در زمان علی بن ابیطالب (ع)، همچون گذشته در راه تقویت و تحکیم اسلام، از خودگذشتگی و

فداکاریهای زیادی را متقبل شد و تا آخر بر عهد و پیمان خود با امام علی (ع) باقی ماند. خاستگاه خاندان قیس به یثرب باز میگردد. اکثر مورخان بر این عقیده اند که هنگام ورود پیامبر به یثرب، دو گروه عمده یعنی یهود و اعراب در آن زندگی می کردند و اعراب ساکن در آن متشکل از دو قبیله به نام های خزرج و اوس بودند که از مهاجران جنوب جزیره العرب (یمن) به این ناحیه به شمار میرفتند که بنا به گفته یعقوبی: «پراکندگی اهل یمن در شهرها و بیرون رفتن شان از دیار خود به واسطه سیل عرم بود». (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۴۹). قبیله خزرج یکی از دو قبیله اصلی عرب در مدینه بود که در تاریخ اسلام به همراه اوس، انصار نامیده شدند. بنا بر نوشته نسب شناسان، خزرج نام جد این قبیله، برادر اوس و فرزند حارثه بن ثعلبه، عمره بن عامرین حارثه بود که در نهایت نسب خزرج به ازدین غوث نیای یکی از قبایل جنوبی (یمنی) می رسد. به طور کلی تاریخ اقامت قبیله خزرج در یثرب را هنگام حادثه سیل عرم و شکسته شدن سد مأرب، دانسته اند (میرسلیم، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۷۲-۴۷۴). سعدبن عباده، پدر قیس، از جمله کسانی است که هم در دوره جاهلیت و هم در دوره اسلام ریاست و سروری قبیله خزرج را داشت. او در دوره جاهلیت که نگارش میان اعراب بسیار اندک بوده، خط عربی می نوشت و شنا و تیراندازی را بسیار نیکو می دانست (ابن سعد، ۱۳۷۵، ج ۴: ۵۱۹). سعدبن عباده، در عقبه (منی) به همراه عده ای از انصار با پیامبر (ص) بیعت کردند و این اولین بیعت در اسلام بود. سعد در بیشتر جنگهای پیامبر همچون جنگ احد، جنگ خندق و ... همراه آن حضرت بود و تنها در جنگ بدر، بر اثر عارضه ای نتوانست شرکت کند (رسولی محلاتی، ۱۳۹۱: ۲۴۰). وی از معدود صحابه پیامبر بود که از آن حضرت اجازه کتابت حدیث گرفت. خاندان سعدبن عباده از مشهورترین قبایل انصار محسوب می-شدند که در دوران پیامبر اکرم (ص) نقش مهمی در اسلام و مسلمین ایفا نمودند. به همین مناسبت، پیامبر بارها در احادیث خود سعد و خانواده وی را ستوده و مورد تحسین قرار داده است. از آن جمله در غزوه ذی قرد پیامبر در حق سعدبن عباده فرموده: «خداوندا، رحمت و برکت خود را بر سعد و خاندانش نازل فرما» (مدنی، ۱۳۹۷: ۳۳۴؛ ابن شهاب، ۱۴۰۰؛ ج ۲: ۵۴۷).

یکی از مهمترین وقایع دوران سعدبن عباده، پیشنهاد خلافت به وی به عنوان جانشین پیامبر (ص) در سقیفه بنی ساعده است. در روز وفات رسول خدا (ص)، انصار در سقیفه بنی ساعده (مکان تجمع

جهت نظرخواهی و مشورت، متعلق به طایفه بنی ساعده که جزئی از قبیله خزرج بودند) فراهم شدند. بنا به گفته یعقوبی: «در این جلسه، انصار سعدبن عباده خزرجی را نشانیده، دستمالی به سر او بسته و مسندی برای او دو تا کردند. هنگامی که خبر به ابوبکر و عمر و مهاجرین رسید، پس با شتاب آمدند و مردم را از پیرامون سعد براندند و ابوبکر و عمر بن خطاب و ابو عبیده بن جراح پیش آمدند و گفتند: ای گروه انصار، پیامبر خدا (ص) از ماست پس به جانشینی او سزاوارتریم و انصار گفتند: از ما امیری و از شما امیری. پس ابوبکر گفت: امیران از ما و وزیران از شما است» (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۵۲۲). پس از این واقعه سعدبن عباده از سقیفه بنی ساعده بیرون آمده و با ابوبکر بیعت نکرد و راهی شام شد و در آنجا در سال ۱۵ هجری کشته شد (مسعودی، ۱۴۳۱، ج ۲، ۳۱۶).

اصل و نسب و خصوصیات ظاهری و اخلاقی قیس:

قیس فرزند سعدبن عباده بن دلیم انصاری خزرجی است که کنیه او ابوالفضل می باشد و ابو عبیدالله و ابو عبدالمملک نیز گفته شده است؛ مادرش فکیه دختر عبید بن دلیم می باشد. (ابن اثیر، ۱۴۱۸ ه، ج ۳: ۴۹۷) بر اساس برخی منابع دیگر، مادر قیس دختر عموی سعدبن عباده بوده است و کنیه او ابوالقاسم نیز ذکر شده است (ابن حجر، ۱۴۱۵ ه، ج ۵: ۳۵۹). همچنین در برخی متون دیگر آمده که قیس فرزند سعدبن عباده بن دلیم، از روسای قبیله خزرج است که کنیه اش را برخی ابو ثابت و برخی ابوقیس گفته اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ه، ج ۲: ۵۹۴). قیس بن سعد بن عباده از اصحاب بزرگ پیامبر (ص) و یاران وفادار امیر مومنان علی (ع) است. او از نام آوران بزرگ عصر خود و از شخصیت‌های گمنام تاریخ اسلام و تشیع است. در میان خصوصیات فردی و اجتماعی قیس، آنچه وی را از دیگر یاران علی (ع) متمایز می سازد، بینش سیاسی - اجتماعی اوست؛ به گونه ای که مورخان و سیره نویسان وی را یکی از پنج سیاستمدار عرب در عصر پیامبر (ص) و علی (ع) می خوانند (باقری بیدهندی، ۱۳۷۹). وی همانند پدر خود، سعد بن عباده، رئیس قبیله خزرج و از بزرگان صحابه پیامبر (ص) و از یاران باوفای امام علی (ع) به حساب می آمد (مغربی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸). او در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان در کنار امام علی (ع) جنگید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۲۹۰). زمانی که پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کرد، سعدبن عباده فرزندش، قیس را برای

خدمتگزاری نزد رسول خدا (ص) گمارد و برای قیس موقعیتی پیش آمد که در محضر پیامبر (ص) باشد و در عنفوان جوانی با رسول خدا (ص) مأنوس باشد. با توجه به زیرکی و باهوشی قیس، او در این زمان بهترین استفاده را از مصاحبت با پیامبر (ص) برد و جان تشنه خویش را از اقیانوس زلال پیامبر (ص) سیراب کرد. قیس در زمان زندگی رسول خدا (ص) به منزله رئیس پلیس در دستگاه فرماندهی بود که وظایف و ماموریت‌های شهری را انجام داده و عهده دار اجرای دستورات امنیتی و انتظامی در شهر مدینه بود. گاهی او را برای جمع آوری مالیات و زکات به اطراف می فرستادند و از کسانی بود که اندیشه و رای داشت و به آرائی احترام گذاشته می شد. او کارگزار پیامبر (ص) در صدقات مسلمانان نیز بود (الصالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۴۹). او در تمام غزوه ها همراه پیامبر (ص) بود و دارای هبیتی بود که دل‌های شجاعان را می لرزاند، در عین حالی که بسیار ممدوح و بخشنده بود (ابن کثیر، ج ۸: ۹۹). قیس از جمله تنها کسانی بود که معاویه از وی به شدت هراس داشت (تقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

در غزوات پیامبر، پرچم انصار در دست سعد بن عبادہ بود و در برخی نبردها، فرزندش قیس نیز این وظیفه را بر عهده داشت. در فتح مکه در فوجی که با پیامبر حرکت میکرد، هزار نفر زره پوشیده بودند. رسول خدا (ص) پرچم خود را به سعد بن عبادہ داده بود و او پیشاپیش آن فوج حرکت میکرد. همین که سعد با پرچم رسول خدا (ص) از برابر ابوسفیان گذشت فریاد برداشت که: ای ابوسفیان، امروز روز خون ریختن است، امروز حرمتها از میان بر می خیزد و خدا قریش را خوار و زیون می سازد. چون رسول خدا (ص) به مقابل ابوسفیان رسید، ابوسفیان آن حضرت را صدا زد و گفت: آیا شما دستور داده اید که خویشاوندان را بکشند (سعد و همراهانش چنین پنداری داشتند. من تو را در مورد قوم خودت به خدا سوگند می دهم و تونیکوکارتر و مهربانتر و با پیوندترین مردمی، در این موقع عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان گفتند: ای رسول خدا (ص) ما از سعد در امان نیستیم که به قریش حمله ای نکنند. پیامبر (ص) فرمود: امروز روز رحمت و مهربانی است. امروز روزی است که خداوند قریش را عزیز و گرامی خواهد داشت. گوید: پیامبر (ص) کسی را پیش سعد بن عبادہ فرستاد و او را از فرماندهی عزل و پسرش قیس بن سعد را پرچمدار سپاه کرد. پیامبر (ص) تصمیم گرفتند پرچم را به پسر سعد بدهند که در واقع فرماندهی از سعد سلب نشده

باشد. ضرار بن خطاب فهری نقل کرده که پیامبر (ص) به علی (ع) دستور دادند تا پرچم را از سعد بگیرد و علی (ع) آن را گرفت و با پرچم وارد مکه شد و آن را کنار حجرالاسود برافراشت و نصب کرد (واقدی، همان، ۶۲۸، ۶۲۹).

قیس فردی برجسته در بین عالمان، کاردانان و فرماندهان دلاور و نام آور عرب در میدان نبرد بود و به سخاوت و بزرگی مشهور بود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ج ۲: ۵۲۸). به دلیل خدمات زیادی که سعد و قیس به اسلام نمودند، پیامبر اکرم (ص) در احادیث زیادی آنها را مورد تحسین و تشویق خود قرار داده است. چنان که در جنگ غابه پیامبر (ص) به قیس بن سعد فرمودند: «پدرت تو را سواره فرستاد و مایه تقویت مجاهدان گردید و در عین حال مدینه را از دشمنان حراست کرد. پروردگارا بر سعد و خاندان سعد رحمت فرست، و مهربانی فرمای» (واقدی، ۱۳۶۹: ۴۱۳- ۴۱۴).

قیس بن سعد در زهد و دیانت و دوستی امام علی (ع) مقامی بلند داشت. وی در کارخوف و طاعت خدا بدانجا رسیده بود که روزی هنگام نماز وقتی به سجده رفت در محل سجده او ماری بزرگ چنبره زده بود. وی از محل مار سر بگردانید و پهلوی آن سجده کرد و مار به گردن او پیچید اما نماز را کوتاه نکرد و چیزی از آن نکاست، و چون نماز را بسر برد مار را بگرفت و بدور انداخت» (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۲۱). در ارتباط با جود و بخشش قیس آمده که در بین مردم مدینه، خاندانی نبوده است که چهار نسل پشت سر هم آنها از بخشندگان بوده و مهمان خانه عمومی داشته باشند؛ مگر در این خاندان که شامل قیس، پدرش سعد، جدش عباد، و جد پدرش دلیم بوده است (طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۱۳۴۸، ۱۱۱).

قیس در شعر و شاعری نیز دستی والا داشته و در اشعار خود به حضور گسترده خود و انصار در غزوات دوران حیات پیامبر (ص) اشاره کرده است. یکی از برجسته ترین اشعار او، شعری است که به واقعه غدیر خم پرداخته و به همین جهت او را یکی از غدیره سرایان قرن اول هجری محسوب نموده اند.

غدیریه قیس بن سعد بن عباد انصاری در جنگ صفین و در پیشگاه امام علی (ع) سروده شده است.

ما قال النبی علی الامه ختم مافیه قال و قیل

بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری

قلت لما بغى العد و علينا حسبنا ربنا و نعم الوكيل

حسبنا ربنا الذى فتح البصره بالامس و الحديث طويل

وعلى امامنا و امام لسوانا افى به التنزيل

يوم قال النبى: من كنت مولاه فهذا مولاه خطب جليل

در آن هنگام که دشمن به ما ستم کرد گفتم خدای ما ، ما را بس است و وکیل خوبی است

کافی است ما را خدایی که بصره را فتح کرده - دیروز و جریان آن طولانی است

علی پیشوای ما است و پیشوای افرادی غیر از ما است قرآن این مطلب را آورده است .

روزی که پیامبر(ص) فرمود: هر کس را که من مولای اویم پس این علی مولای اوست و این خبر

بسیار بزرگ و با عظمتی است

قیس بن سعد در دوران سه خلیفه

با توجه به اتفاقاتی که در سقیفه بنی ساعده افتاد و بیعت نکردن سعدبن عباده با ابوبکر، میتوان

ادعا کرد که قیس نیز با ابوبکر بیعت نکرده است. هر چند که نظر قطعی نمیتوان ابراز کرد ؛ اما

عملکرد این خاندان در سقیفه بنی ساعده برای خلیفه اول و دوم قابل اغماض نبوده و به خاطر

همین شاید مورد غضب بودند . شیخ طوسی در رجال خود، قیس را از اصحاب علی(ع) ذکر

می کند و می گوید : قیس از کسانی بود که با ابوبکر بیعت نکرد (ابن اثیر، ۱۴۲۲، ج ۴: ۲۱۶).

مطالب خاصی در این دوران از قیس بن سعد نقل نگردیده و تنها مواردی از حضور او در مسجد

پیامبر(ص) در اجتماعات نقل شده است. از جمله در کتاب سلیم بن قیس هلالی ، در ضمن بیان

مسأله ای نوشته است: «در مسجد پیامبر (ص) به عده ای که گردهم نشسته بودند، برخوردم که در

میان آنان ، جز سلمان و ابوذر و مقداد و محمدبن ابی بکر و عمر بن ابی سلمه و قیس بن سعد بن

عباده کسی غیر از بنی هاشم نبود (سلیم بن قیس هلالی ، ۱۳۹۳ ، ۳۴۹).

قیس در دوران خلافت امام علی (ع)

پس از کشته شدن خلیفه سوم، اکثریت مهاجرین و انصار با امام علی (ع) بیعت کردند، در این میان قیس بن سعد بن عباده با آن سوابقی که از او ذکر گردید، یکی از یاران و طرفداران امام علی (ع) و پیشگامان بیعت با امام علی (ع) بوده است. قیس در زمان خلافت امام علی یکی از مهمترین رجال سیاسی این دوران بوده و تقریباً در بیشتر جنگهای آن دوران، حضوری موثر داشته و در جریانهای سیاسی نقش موثری از خود بروز داده است. قیس در دو جنگ صفین و نهروان و آماده سازی جنگ جمل تلاش زیادی کرد و یکی از فرماندهان و مشاوران مهم این جنگها محسوب میشود. امام علی (ع)، قیس را در زیرکی، سیاست و چاره اندیشی با معاویه و عمرو بن عاص برابر ساخت. (مدنی، ۱۹۸۳:

۳۳۶). ابن شهاب می گوید: هنگام برپا شدن فتنه ها، وقتی سیاستمداران عرب را می شمردند، پنج نفر را دارای رأی می دانستند. یکی از آن ها، ((قیس)) و دیگری، ((عبدالله بن بدیل بن ورقا خزاعی)) بود. این دو همواره با امام علی (ع) بودند (البخاری، ۱۴۰۶ ج ۱: ۱۱۱).

در جنگ جمل و هنگام حرکت لشکر جمل به سوی بصره، طلحه و زبیر به همراهیان خود گفتند، به سرعت حرکت کنید، شاید زودتر از علی (ع) به بصره برسیم. قثم بن عباس در نامه ای برای علی (ع) او را از اینکه طلحه و زبیر و عایشه از مکه خارج شدند، آگاه گردانید. در این هنگام قیس بن سعد برخاست و گفت: ای امیرالمومنین (ع) به خدا سوگند غم و اندوه ما برای عایشه بیشتر است تا برای آن دو مرد، زیرا این دو خونشان حلال است، چرا که در آغاز بیعت کردند و بعد بیعت خود را شکستند، اما عایشه، هر کسی جایگاه و مقام وی را در اسلام می داند او مادر ما و مادر توست. آن دو مرد اگر به بصره بروند، همه مردم بصره با آن دو همراه نمی شوند، تو به کوفه برو، زیرا مردم کوفه همگان از یاران تو هستند، آن دو مرد اگر به شام بروند ما هراسناکیم، زیرا آن دو را به عنوان صحابه رسول خدا (ص) و عایشه را به عنوان مادر مومنان می شناسند در این صورت مصیبت بالا میگیرد رهسپار شو که خداوند با توست». (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ۸۸، ۸۹)

بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری

منقری در کتاب پیکار صفین در ارتباط با قیس بن سعد نوشته است: «امیر المومنین، قیس بن سعد را که از مصر به صفین آمده بود، به فرماندهی پیادگان بصره گماشت (منقری، ۱۳۷۰، ۲۸۵) و زمانی کار صفین به حکمیت کشید و قرار بر آن شد که حکمی از طرفین تعیین گردد تا مصالحه ای صورت گیرد، قیس از جمله افرادی بود که قبول این موضوع برایش سخت بود: «اشتر و قیس بن سعد موضوع صلح را به طور جدی مورد انتقاد قرار دادند، آن دو بیش از دیگران به علی (ع) جهت پذیرش صلح، سخت می گرفتند» (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ۱۵۸).

در جنگ نهروان، زمانی که امام علی (ع) خبردار شد، عده ای از خوارج در نهروان گرد آمده اند، پس فرمان کوچ در میان مردم را دادند و حرکت کردند، تا به نهروان رسیدند و در یک فرسخی آنها اردو زدند. امام نخست قیس بن سعد بن عباده و ابو ایوب انصاری را نزد آنها فرستاد، آن دو رفتند و به آنان گفتند، بندگان خدا، شما مرتکب کار بزرگی شده اید که متعرض مردم گشتید و آنها را به قتل رساندید و ما را مشرک خواندید، به شرک گواهی می دهید، و شرک ظلمی عظیم است (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۴۶).

۲۳۰). نمایندگان امام علی (ع) از گفتگو با خوارج نتیجه ای نگرفتند و پیش حضرت برگشتند. زمانی که دستور مقابله با خوارج از سوی امام علی صادر گردید، در یکی از صحنه های نبرد، ذکری از قیس بن سعد به میان آمده که: «قیس بن معاویه برجمی از یاران علی (ع) به شریح بن ابی اوفی حمله برد، و با ضرب شمشیر ساق پایش را قطع کرد. او با یک پا جنگ می کرد و می گفت: شتر نر با پای بسته از شتر ماده حمایت می کند. قیس بن سعد بر او حمله کرد و او را از پای در آورد و تمامی خوارج یکجا کشته شدند (همان، ۲۳۴).

در دوران خلافت امام علی (ع)، قیس بن سعد، یک بار به استانداری مصر و بار دیگر نیز به پیشکاری آذربایجان منصوب میگردد. قیس از جانب امام علی در ماه صفر سال سی و شش هجری، به فرمانداری مصر منصوب شد. شاید یکی از دلایل انتخاب قیس بن سعد برای ولایت مصر، آشنایی وی با سرزمین مصر باشد... هر چند دلایل اصلی انتخاب وی سابقه او در اسلام می باشد و همانطور که قبلاً ذکر گردید او خادم پیامبر (ص) و پرچمدار و رئیس نگهبانان پیامبر بوده است و ارادت او

به امام علی (ع) بر کسی مخفی نبوده است. دوران فرمانداری قیس بر مصر چهار تا پنج ماه ذکر شده است و پس از این مدت قیس از فرمانداری مصر عزل شد و به جای او، محمد بن ابوبکر به حاکمیت آن سرزمین منصوب گردید. قیس پس از آن دوره نزد امام علی رفت و در امور سیاسی و نظامی یاریگر وی بود (امینی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۷۳). پس از مدتی، قیس از سوی امیرالمومنین این بار به پیشکاری آذربایجان منصوب گشت. بنا به نقل تاریخ طبری، ولایت قیس بن سعد بر آذربایجان بعد از جنگ صفین بوده است، وقتی امام علی (ع) از صفین بازگشت، اشتر را سوی جزیره که عامل آنجا بود پس فرستاد، به قیس بن سعد گفت: «با من باش و به کار نگهبانان من پرداز تا از حکمیت فراغت یابیم آن گاه سوی آذربایجان رو» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۶، ۲۶۲۱). بدین ترتیب قیس از جانب امام علی (ع)، جانشین اشعث بن قیس که از سوی خلیفه سوم فرماندار آذربایجان شده بود، گماشته شد.

قیس بن سعد در دوران امام حسن (ع) در زمان خلافت امام حسن، نخستین کسی که با وی بیعت کرد، قیس بن سعد انصاری بود که گفت: دست خود بگشای تا بر پایه نبشته خداوند شیوه پیامبر و پیکار با پایمال کنندگان کیش و آیین با تو بیعت کنم. حسن (ع) گفت: بر نبشته خداوند و شیوه پیامبر که این ها فراگیرنده همه شرطها هستند، بیعت می گیرم (ابن اثیر، کامل، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۰۱۵). قیس تا آخر عمر خود به امام حسن (ع) وفادار ماند. وی در سپاه امام حسن جانشین عبید الله بن عباس گشت و بعد از اینکه عبید الله خیانت کرده و به معاویه پیوست، قیس تا آخر به امام وفادار ماند و بیعت او با معاویه نیز تنها به دستور امام بود.

در جنگ امام حسن با معاویه، قیس همراه او بوده و یکی از فرماندهان سپاه وی بود. امام حسن (ع) عبیدالله بن عباس را با دوازده هزار برای نبرد با معاویه فرستاد و قیس بن سعد عبا ده انصاری را همراه وی ساخت و عبیدالله را فرمود که به فرموده قیس بن سعد و رأی او عمل کند. پس رهسپار ناحیه جزیره شد و معاویه هم چون از کشته شدن علی (ع) خبر یافت، هجده روز پس از شهادت علی (ع) رهسپار موصل گردید و دو لشکر روبرو شدند (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۴۱).

«از آن سو معاویه پیامد تا در اراضی مسکن در قریه ای به نام حیوضیه (حبویه خل) فرود آمد و عبیدالله بن عباس نیز در برابرش منزل کرد، چون روز بعد شد معاویه لشکری به جنگ او فرستاد، عبیدالله نیز با همراهان خویش به جنگ با آنها بیرون آمد و آنان را مجبور به عقب نشینی کرد و به لشکرگاه شان باز گردانید. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۷، ۸۳).

به گفته طبری «معاویه با عمرو و مردم شام به نزدیک آنها فرود آمد، آن گاه معاویه کسی را سوی قیس فرستاد و خدا را به یاد وی آورد و گفت: «برای کی می جنگی؛ آن کس که به اطاعت وی می جنگیدی با من بیعت کرده است، اما قیس نرمی نکرد تا معاویه طوماری پیش وی فرستاد که پایین آن مهر زده و گفت، هر چه می خواهی در این طومار، بنویس که انجام میشود. عمرو به معاویه گفت: این را مده و با وی بجنگ، معاویه گفت: آرام باش، بخدا که این جمع را نتوانیم کشت مگر به شمار خودمان از مردم شام بکشند، پس از آن دیگر زندگی خوش نباشد، به خدا هرگز با وی جنگ نمی کنم مگر آنکه از جنگ وی چاره نماند. گوید وقتی معاویه طومار را برای قیس فرستاد و آن برای خودش و شیعیان علی(ع) به سبب خونها که ریخته بودند و مالها که گرفته بودند امان خواست، اما برای خود مالی نخواست و معاویه آنچه را که خواسته بود، تعهد کرد و قیس و یاران وی به اطاعت معاویه آمدند. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۷، ۲۷۱۹، ۷).

زندگی قیس بن سعد در دوران معاویه

وقتی قیس بن سعد خبر صلح امام حسن (ع) با معاویه را شنید، «پس قیس بن سعد به جانب عراق بازگشت، جماعتی از یاران به کوفه آمدند، معاویه در آن وقت به کوفه رسید و در مقر امارت فرود آمد و کسی را فرستاد، امیرالمومنین حسن (ع) را بخواند تا با او بیعت کند. آن حضرت جواب داد. من بدان شرط و قرار با تو صلح کرده ام که مردمان جملگی از تو در امان باشند. معاویه گفت مردمان جمله از من ایمنند، مگر قیس بن سعد بن عباده که او را نزد من امان نیست. حسن (ع) جواب داد: پس عهد نامه ای که با تو کرده ام قبول نیست، اگر می خواهی که این مصالحه با تو مستحکم باشد، قیس را یکی از جمله عالمیان از خویش ایمن گردان و امان ده. چون این سخن از حسن بن علی (ع) به سمع معاویه رسید قیس را نیز امان داد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۴، ۷۶۶). یعقوبی نحوه

بیعت قیس با معاویه را این گونه نقل کرده است : «قیس بن سعد بن عبادہ نزد وی آمد، پس گفت قیس بیعت (کن)، قیس گفت، ای معاویه من چنین روزی را ناخوش میداشتم؛ گفت: خاموش باش خدا تو را رحمت کند، قیس گفت: راستی حریص بودم که پیش از این میان جان و تنت جدایی افکنده باشم، لیکن ای پسر اباسفیان، خدا امتناع ورزید، مگر از همان چه میخواست، گفت: پس امر خدا رد نمی شود، در این هنگام قیس رو به مردم کرد و گفت: ای گروه مردم، بد را به جای نیک و خواری را به جای سرافرازی و کفر را به جای ایمان گرفتید، و پس از زمامداری امیرالمومنین (ع) و سرور مسلمانان و پسر عموی پیغمبر(ص) پروردگار جهانیان کار شما به جایی رسید که آزاد شده، پسر آزاد شده، بر شما فرمانروا گشت، شما را زبون میسازد و در میان شما بیدادگری میکند، پس چگونه این حقیقت بر شما پوشیده داشت، یا خدا بر دل‌های شما مهر زده و دیگر خرسندی ندارد، پس معاویه بر سر دو زانو برجست و سپس دست او را گرفت و گفت: تو را سوگند می دهم، پس دست بر دست او زد و مردم فریاد زدند که قیس بن سعد بیعت کرد. پس گفت: به خدا قسم دروغ گفتید، بیعت نکردم (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۴، ۱۴۳).

ابوالفرج اصفهانی، نحوه بیعت قیس با معاویه را اینگونه نقل کرده است: «به هر صورت روایت کنند که چون کار صلح میان امام حسن (ع) و معاویه به پایان رسید، معاویه فردی را نزد قیس بن سعد فرستاد، و او را به بیعت کردن با خودش دعوت کرد. پس قیس را که مرد بلند قامتی بود، آوردند و با اینکه بر اسبی بلند سوار شده بود، پاهایش بر زمین کشیده می شد، و قیس در صورتش هیچ مو نبود (و به اصطلاح کوسه بود) و او را خصی (خواجه) انصار می گفتند، چون خواستند او را به نزد معاویه برند گفت: من سوگند یاد کرده ام که او را دیدار نکنم جز اینکه بین من و او نیزه و شمشیر باشد، معاویه دستور داد نیزه و شمشیر بیاورند، و میانه او و قیس بگذارند، تا بر طبق سوگندش رفتار کرده باشد» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹۲، ۹۳).

قیس بن سعد پس از وفات علی(ع) و وقوع صلح با جمعی از انصار به نزد معاویه رفت، معاویه به آنهاگفت: «ای گروه انصار برای چه انتظار کمک از من دارید(به خدا با من اندک و بر ضد من بسیار بوده اید. روز صفین چنان کار را بر من تنگ کردید که مرگ را در نوک نیزه های شما بدیدم و

بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری

چنان هجو من گفتید که از تیزی نیزه ها سختتر بود و وقتی کار من که نمی خواستید سامان بگیرد، استقرار یافت، می گوئید سفارش پیغمبر(ص) را درباره ما رعایت کن؛ بخدا انتظار بیجایی است» (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۱ و ۲۲).

قیس در پاسخ او گفت: ما به سبب اسلام که خدا آن را بس دانسته است، کمک تو می طلبیم نه به وسیله دسته بندیها که بدان انتساب داری، دشمنی خویش را اگر بخواهی توانی از میان برداری، اما آن هجو که تو را گفته ایم سخنی است که باطل آن می رود و حقش به جا میماند. استقرار کار تو نیز بدون رضای ما بوده است؛ اما اینکه در روز صفین بر ضد تو جنگیده ایم؛ ما همراه مردی بودیم که اطاعت او را اطاعت خدا میدانستیم، اما سفارشی که پیغمبر خدا(ص) درباره ما کرده؛ هر که بدو ایمان دارد آن را رعایت میکند. اینکه گفתי انتظاری بیجاست، به جز خدا دستی نیست که تو را ای معاویه، از ما منع تواند کرد. معاویه گفت: تقاضاهای خود را بگویند (همان، ۲۱).

سرانجام قیس

ابن اثیر در کتاب «الکامل» درگذشت قیس را در ضمن رویدادهای سال ۵۹ هجری آورده و گفته است: قیس بن سعد بن عباده انصاری در مدینه که چنین گویند، به سال ۶۰ ه در گذشت. او در همه جنگ ها در کنار پیامبر(ص) جنگید (ابن اثیر، کامل، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۱۶۶).

اما ابن حجر عسقلانی در مورد سال درگذشت قیس نقلی دیگر را ذکر کرده است: «خلیفه گفت و بعضی دیگر گفته اند، قیس در آخر خلافت معاویه در مدینه از دنیا رفته است.» و ابن حبان گفت: «قیس از دست معاویه فرار کرد و در سال ۸۵ ه در زمان خلافت عبدالملک مروان درگذشت (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۵، ۳۶۱).

نتیجه گیری

با توجه به اینکه موضوع تحقیق بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری است؛ با مطالعه در زندگی این شخصیت مطالبی یادآور می گردد: خاندان قیس بن سعد از خاندان های اصیل و شریف محسوب میشد و پدر و نیاکان او از بزرگان و رؤسای قبیله خزرج بودند و این

سیادت در دوره اسلام نیز ادامه پیدا کرد. سعد بن عباد از کسانی بود که هم در دوره اسلام و هم قبل از آن ریاست و سیادت داشت. نقطه عطف زندگی قیس بن سعد، خدمتگزاری در محضر پیامبر(ص) بوده است. و این افتخار با لاترین افتخارهاست. نزدیکی او به پیامبر(ص) باعث آشنایی عمیق او با آئین اسلام و شیوه مسلمانان شد و او را در انتخاب راه حق یاری نمود. عملکرد قیس بن سعد در دوران های مختلف زندگی نشان داد تا چه حد از مکتب اسلام و قرآن بهره گرفته است. زندگی قیس بن سعد مانند زندگی همه انسانها فراز و فرود دارد و بری از خطا و اشتباه نیست. شاید عده ای عملکرد او را در سقیفه بنی ساعده به خاطر بودن در کنار پدرش و چرایی عزل او از ولایت مصر را، ایراد بدانند، اما برخورد امام علی(ع) با وی در مقاطع مختلف نشان داد که او از پیروان واقعی و ثابت قدم بوده است که هیچگاه امام علی(ع) را تنها نگذاشته است. اعتقاد او به ولایت امیرالمومنین(ع) در شعر غدیریه متجلی است و بارها در مقاطع مختلف با قول و رفتار این اعتقاد را ثابت کرده است.

از دیگر مواردی که در زندگی قیس بن سعد بن عباد برجسته است، استقامت و پایداری او در برابر تهدید و تطمیع معاویه بوده است. معاویه بارها و بارها کوشید او را از همراهی با ولایت، هم در دوران امام علی(ع) و هم در دوران امام حسن(ع) باز دارد و همیشه ناکام بود و در نهایت متوسل به تزویر و خدعه گردید و به ترور شخصیت قیس بن سعد بن عباد با استفاده از دستگاه تبلیغاتی خود متوسل شد. همان خدعه و تزویری که معاویه را از مهلکه صفین نجات داد و با استفاده از جهل عده ای توانست مقدمات سلطنت خود به سرزمینهای اسلامی را بنا گذارد و بنیانگذار سلسله ای گردد که سالهای سال ادامه پیدا کرد. مساله ای که مهمتر از هر چیز دیگری است، قضاوت تاریخ در مورد شخصیت هاست. قیس بن سعد از جمله انسانهایی بود که تا زمانی که توانست و این امکان برایش فراهم بود، برای اصلاح جامعه اقدام نمود و از بذل جان و مال خود در بیغ نکرد و بارها تا پای شهادت رفت که آرزوی همیشگی اش بود و وقتی شرایط به گونه ای دیگر شد، با پیشه کردن صبر و پرداختن به عبادت مابقی عمر را طی کرد.

منابع و مأخذ:

1. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن ، علی بن محمد جزری ، اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ ، ۱۴۲۲ ق ، بیروت ، دارالمعرفہ.
2. ----- ، الکامل فی التاریخ ، ترجمہ: سید محمد حسین روحانی ، ۱۳۸۵ ، تہران ، اساطیر.
3. ابن اعثم ، ابو محمد احمد بن علی ، الفتوح ، ترجمہ: محمد بن احمد مستوفی ہروی ، تصحیح: غلامرضا طباطبائی مجد ، ۱۳۷۴ ، تہران ، علمی و فرهنگی.
4. ابن جوزی ، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی ، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک ، ۱۴۱۲ ق ، بیروت ، دارالکتب العلمیہ.
5. ابن حجر عسقلانی ، احمد بن علی ، الاصابہ فی تمییز الصحابہ ، ۱۴۱۵ ق ، بیروت ، دارالکتب العلمیہ.
6. ----- ، تہذیب التہذیب ، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا ، ۱۴۱۵ ق ، بیروت ، دارالکتب العلمیہ.
7. ابن خیاط العصفری ، خلیفہ ، تاریخ الخلیفہ ، تحقیق: سہیل زکار ، ۱۴۱۴ ق ، بیروت ، دارالفکر.
8. ابن سعد ، محمد ، الطبقات الکبری ، ترجمہ: محمود مہدوی دامغانی ، ۱۳۷۴ ، تہران ، فرهنگ اندیشہ.
9. ابن عبدالبر ، یوسف بن عبداللہ ، الاستیعاب فی معرفہ الاصحاب ، ۱۴۱۲ ق ، بیروت ، دارالجیل.
۱۰. ابن قتیبہ دینوری ، عبداللہ بن مسلم ، امامت و سیاست ، ترجمہ: سید ناصر طباطبائی ، ۱۳۸۰ ، تہران ، ققنوس.
۱۱. ابن کثیر دمشقی ، ابی الفدا الحافظ ، البدایہ و النہایہ ، ۱۴۲۸ ق ، بیروت ، مرکز الاشرق الاوسط الثقافی.
۱۲. ابن ہشام ، ابو محمد عبدالملک بن ہشام المعافری ، السیرہ النبویہ ، تحقیق: محمد علی قطب ، محمد الدالی بلطہ ، ۱۴۳۱ ق ، بیروت ، المکتبہ العصریہ.
۱۳. ابوالفرج اصفہانی ، علی بن حسین ، مقاتل الطالبین ، ترجمہ: ہاشم رسولی محلاتی ، ۱۳۸۷ ، تہران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. ابوحنیفہ دینوری ، احمد بن داود ، اخبار الطوال ، ترجمہ: صادق نشأت ، ۱۳۴۶ ، تہران ، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. ابونعیم اصفہانی ، احمد بن عبداللہ ، معرفہ الصحابہ ، ۱۴۲۲ ق ، بیروت ، دارالکتب العلمیہ.

۱۶. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق ق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، جلد ششم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۶، التاریخی الصغیر، تحقیق محمود ابراهیم زائد، الطبعة الاولى، بیروت دارالمعرفه
۱۸. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه: محمد تقی واحدی، علی شیخ الاسلامی، ۱۳۹۱، تهران، بنیاد بعثت
۱۹. باقری بیدهندی، ناصر، ۱۳۷۹، قیس بن سعد بن عبادہ (۱)، فرهنگ کوثر، شماره ۴۸
۲۰. ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۳، الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
۲۱. جمعی از مولفان، دایره المعارف صحابه پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۱، تهران، پژوهشکده، باقرالعلوم (ع).
۲۲. خطیب خوارزمی، حافظ ابوالموید محمد البکری مکی حنفی، مناقب امیرالمومنین علی (ع)، ترجمه: سید ابوالحسن حقیقی، ۱۳۷۵، تهران، سامه .
۲۳. رسولی محلاتی، سید هاشم، ۱۳۹۱، زندگانی حضرت محمد (ص)، خاتم النبیین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۴. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ترجمه: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، ۱۳۹۳، قم، دلیل ما.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمود ریاض الحلبي، ۱۴۲۰ ق، بیروت، دارالمعرفه.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۵، تهران، اساطیر.
۲۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال معروف به رجال کشی، ۱۳۴۸، مشهد، دانشگاه مشهد .
۲۸. -----، امالی، ترجمه: صادق حسن زاده، ۱۳۸۸، قم، اندیشه هادی .
۲۹. عادل، حداد، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۰، تهران، موسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع .
۳۰. عطاردی، قیس، دیوان قیس بن سعد انصاری ترجمه: سید مرتضی موسوی گرماردی، ۱۳۷۹، قم، دلیل
۳۱. کحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب القديم و الحدیثه، ۱۴۱۸ ق، بیروت، موسسه الرساله .

بررسی شخصیت و عملکرد قیس بن سعد بن عباده انصاری

۳۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ۱۳۶۵، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۳. مغربی، قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)، ج ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح: سید هاشم رسول محلاتی، ۱۳۸۹، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. مدنی، علی خان بن احمد، ۱۹۸۳، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، بیروت: موسسه الوفاء
۳۶. منقری، نصر بن مزاحم، پیکار صفین، ترجمه: پرویز اتابکی، ۱۳۷۰، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۷. موسوی بجنوردی، کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۸. میرسلیم، مصطفی، ۱۳۹۰، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۵، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی
۳۹. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۶۹، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۴۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، ۱۳۸۲، تهران، علمی فرهنگی.